

# پیام آزادی

## آله دال فک

پیام از دل برخاسته ام را به همه هم میهنان بویژه دختران و پسران جوان، آینده سازان میهن ملا خور شده با این فراز آغاز میکنم:

## آگاهی سر آغاز آزادی است

اگر کسی آزادی را نشناسد و از بهره مندی آن آگاه نباشد، برای دستیابی برآن کوششی هم نخواهد کرد همانگونه کسی که زر را نشناسد.

چگونه کسی میتواند خواستار چیزی باشد که نداند چیست؟ با این شمار باید نخست گام در راه آگاهی برداریم و درباره آنچه و هر چه که با سرنوشت زندگی و تاریخ و فرهنگ مردمی (ملیت) ما بستگی دارد به ژرفی جستجو کنیم تا بیشتر و بهتر آگاه و درستی ها را دریابیم و برگزینیم.

اگر نوشته ای را میخوانیم و یا سخنی را میشنویم با بهره گیری از خرد نویسنده و گوینده و اندیشه اش را شناسائی کنیم تا چشم و گوش بسته به نوشته ها و سخنان فریبده کسی گردن ننهیم.

اگر چنین کردیم بروشنی درمی یابیم که آن نوشته را چه کسی نوشته، چرا نوشته است و یا آن سخن را چه کسی گفته و چرا میگوید. آنگاه است که میتوانیم با چشمان باز و هشیارانه گام در میدان نبرد زندگی سهمگین امروزی جهان بنهیم.

یکی از دشواریهای ۱۴۰۰ ساله ای که بویژه ما ایرانیان با آن روبه رو و دست به گریبانیم، تاریخ و فرهنگ درخشان و الائی و سرفرازی ایرانی را لگد کوب نموده است که همچنان نا آگاهانه در زیر این کوله بار سنگین و ننگین کمر خم نگا داشته، ایران پرستی را با استخوان پرستی بیابان گردان تازی دگش کرده ایم، همانا اسلام راورد تازیان و کلام الله راورد اسلام است که در آغاز با زور شمشیر به گردن نیاکان ما نهادند سپس به مرده ریگیری (ارث) به ما رسید. به ما نی که نه از پیشینه آن آگاه بودیم و نه شناخته بودیم و نه بدخواه آن را پذیرفته بودیم.

آنچه را که مثنی دستار بند تازی پرست در این باره به ما گفتند و به مغز و اندیشه ما فرو کردند باور کردیم، چشم و گوش بسته و نا آگاهانه پذیرفتیم و بکار بستیم، کوچکترین واکنشی هم از خود نشان ندادیم تا آنجا که نا باورانه و نا بخردانه فرتور (عکس) سید روح الله خمینی خون آشام هندی زاده را در ماه و تار موی ریشش را لای قران دیدیم.

آیا بدرستی چنین چیزی را دیده بودیم، باور کردنی بود فریب نخورده بودیم؟ آیا برای فریب خوردن دیگری چاره ای اندیشیده ایم؟

همان دغلبازان دستار بندی که ما را چنین فریفتند و سیه روزمان کردند، از ۱۴۰۰ سال پیش کلام الهی با زبان تازیان بدست نیاکان ما دادند تا با همان زبان برای آموزش روان مردگان خود بخوانند و یا بدان سوگند یاد نمایند که ما هم به پیروی از پیشینیان چنان کردیم و میکنیم، بی آنکه رنج دریافت درونمایه آنرا به خود داده باشیم تا دریابیم چه میخوانیم و برای چی میخوانیم؟

هرگز نکوشیدیم تا دریابیم آیا آنچه را که میخوانیم و در نمی یابیم پیوندی با آموزش روان مردگان ما دارد؟ و یا میتوان با سوگند بر آن پای بند بر پیمانی بود که از سرباز تا پادشاه و وزیر و وکیل و سناتور بر پاسداری از مرزبوم کشور و نگهبانی از قانون اساسی بر آن سوگند یاد مینمایند؟ زهی گمراهی.

هیچگاه نکوشیدیم تا دریابیم بر آنچه که بدستور دستار بندان دینی سوگند یاد میکنم و یا برای آموزش روان مردگان خود میخوانیم بن مایه ننگ بندگی، بردگی، کنیزی، غلامی؛ راهزنی، کشت و کشتار فریب و ریا و سرفرود آوردن کورکورانه در برابر مثنی افسانه های دروغین و بدور از خرد بازگو در بازگو شده تازیان و یهود است.

من هر زمان که به این بن مایه سراپا ننگ و سر افکنندگی و خواری پذیری بی چون و چرای ۱۴۰۰ ساله روی می آورم، همانگاه بیاد چاپ اسکناس از سوی (فرقه جدائی خواه دموکراتها) در آذربایجان می افتم که بر روی کاغذ های سفید با زبان آنری مبلغی نوشته بودند، و نوشته بودند (دانشمه گوتور) یعنی سخن نگو و بردار؟

خواندن کلام الله تازیان هم با زبان عربی همان حالت را دارد (بخوان، نفهم، نپرس) که مثنی دین دارنمای بی دین و دغلباز و پشت به میهن در پوشاک نمایندگی از الله = (حجر الاسود) بخورد مردم گمراه و در بند نگا داشته شده ایران داده اند و میدهند. چه

معنی آن را دریابی و یا دریایی کلامی است بگفته آنان الهی که باید بخوانی و بپذیری. **اگر کوچکترین دودلی نشان دهی بی دین، نامسلمان و کافری باید کشته شوی.**

تازش دوم تازیان بدست تازی زادگان زاده شده در ایران بسرپرستی سید روح الله خمینی کشتارگر بیاری کشور های نفتخوار اروپا و آمریکا برای تاراج دارائی خدادادی ما در بهمن ماه/۱۳۵۷ با همه کشتار و تاراج و تبهکاری آیت اللهی که پایه تروریست جهانی را نیز پی ریخت و جایزه خون رنگ آنرا هم به جیمی کارتر فرمدار وقت آمریکا دادند، سود بزرگی هم داشت که با ترجمه کلام الله به زبان فارسی و گواهی آن زیر شماره/۶۲ به تاریخ ۳۱/۳/۱۳۶۷ از سوی وزارت ارشاد اسلامی، روزنه ای فرا راه پویندگان آگاهی و آزادی گشود و روشن گردید که درون مایه این دیک سیاه زراندود شده جز لجن و پیام سیاه روزی و تیره بختی رهاورد دیگری ندارد. همین که مهدی الهی قمشه ای با ترجمه خود سرپوش از این ننگ نامه را برداشت بوی نا خوشایندش به سراسر ایران و جهان پیچید .

حال این شما و اینهم گوشه ای کوچک از کلام الله پس از خواندن خود به سراغ کلام الله ترجمه شده مهدی الهی قمشه ای بروید. بخوانید و داوری کنید تا بیشتر و بهتر الله و (محمد خود خوانده رسول الله) و نماد های الله (آیت الله ها) را به درستی بشناسید.

کلام به واژه تازی در چم سخن است. الله نام گوینده آن سخن. پس بیائیم نخست الله را بشناسیم و سپس به سراغ درون مایه سخنانش آمده در کلام الله برویم.

همه کسانی که با تاریخ اسلام و عرب سرو کار دارند به نیکی آگاهند که تازیان بت پرست بودند. نه تنها نسکی بنام (کلب الاصنام) داشتند و دارند که نام همه بتان تیره های گوناگون تازی در آن آمده است ۳۶۰ بت ریزودرشت هم درکناریکدیگر در خانه ای بنام کعبه در مکه از سوی ابراهیم نیای بزرگ محمد گرد آوری شده بود.

برابر درون مایه همین کلام الله آن بتکده را ابرا هیم و پسرش اسماعیل بنا نهاده بودند. سوره دوم (البقره) آیه زیر شماره/۱۲۶ (پیشینه خانه کعبه و خریدن آن با خیکی می از سوی قصی نیای بزرگ محمد به گستردگی در دفتر پژوهش در زندگی علی نماذ شیعه گری) آمده است.

آن بتکده، همین بیت الله الحرام امروز است که از سوی محمد خانه الله نام گرفته و هر ساله گمراهان جهان بنام مسلمان به زیارتش می شتابند، پس از بوسه زدن بر سنگ سیاه الله (حجر الاسود) شادمانه خون هزاران جان دار بیگناه را به پایش بر زمین میریزند و نا آگا هانه سنگهایی بسوی شیطان نادیده (از دید خود نماد بدی) پرتاب میکنند تا به حاجی بودن سر افراز گردند که لبی از می ناب در شادیکده الله (بهشت) تر کنند و در آغوش دخترکان و پسر بچه گان زیبا روی اهدائی الله بیارامند. بی آنکه کمترین آگاهی از پیشینه این کار زشت و نابخردانه خود داشته باشند.

**بر باور من باید آن سنگها را بسوی کله پوک خود و همان سنگ سیاه الله پرتاب کنند که نماذ بارز اهریمنی و پرستیدن بتی سنگی و سیاه است.**

الله یا همین سنگ سیاه که در آغاز بت ویژه ابرا هیم بود در کنار دیگر بتان خانه کعبه قرار داشت که پیشینه آن نیز در دفتر پژوهش در زندگی علی نماذ شیعه گری آمده است.

چون تیره قریش خود را باز مانده ای از هاجر کنیز مصری همسر ابرا هیم میدانستند. پیرو بت الله بودند زمانی که محمد خویشتن را خود خواسته فرستاده الله نامید و پیامهای نابخردانه ای نیز از سوی او آورد که دیگر تازیان نپذیرفتند. دست به تازش و کشتار و تاراج زد، پس از کشت و کشتارهای فراوان "بگفته کلام الله" بیاری فرشتگان و باد صر صر بر دیگران پیروز گردید و بر بتکده کعبه دست یافت. سوره هشتم (انفال) آیه های زیر ۶ تا ۱۸ و زیر ۴۱ و ۴۹. سوره نهم (توبه) آیه های زیر ۲۵ تا ۳۲ و دهها آیه دیگر.

پس از دستیابی بر بتکده کعبه و گفتن الله و اکبر، یعنی الله از دیگر بتان بزرگتر است، دستور داد همه بتهای ریز و درشت تیره های دیگر موجود در خانه کعبه را در برابر چشمان گریان آنها شکستند و تنها الله یا همان حجر الاسود را برجای گذاشت و گرامی داشت و بنای بتکده کعبه را نیز خانه الله نامید و در همان زمان نیز نام الله را بدرون قرآن برد. سوره هفدهم (اسری) آیه زیر ۱۰۹ و چنین گفت.

ای رسول بگو که من مامورم منحصر ا خدای این بلد مکه معظمه را که بیت الله الحرامش قرار داده اند پرستش کنم، که آن الله مالک همه چیز عالم است و باز مامورم که از تسلیم شدگان فرمان او باشم. و نگفت خدای جهان را پرستش میکنم که آن خدای خدای بلد مکه هم هست. سوره بیست و هفتم (النمل) آیه های زیر ۹۱ تا ۹۳

این چنین سنگ سیا هی بنام (حجرالاسود) زیرنام الله از سوی محمد خدای جهان شناخته شد و بدرون کلام الله ساخته و پرداخته خودش راه یافت و بازور شمشیر به گردن مردم کشورهای شکست خورده نهاده شد.

حال ببینیم درون مایه کلام الله رهاورد محمد (خود خوانده رسول الله) چیست؟

الله آمده در این کلام الله، نه از خرد و دانش و بینش و آگا هی بهره مند است و نه بوئی از دادگری برده است. بخشی از دستورهای او مشتق دروغ، فریب، مکر، و دشمنی آشتی ناپذیر با آزادی و شادی و شادمانی، بازگو کردن افسانه های پیشین تیره های یهود و تازی و دلدادگی ها که بارها و بارها بازگو گردیده است. چگونگی همسر گزینی، ازدواج، طلاق، ارثیه، ازدواج زنان همسر مرده، حیض و نفاس زنان، جنگ و کشتار و گردنه بندی، را هزنی، تاراج دار و ندار کاروانیان و مردم به فرمان الله که در این رهگذر همه جا و همیشه الله و فرشتگانش با پرچم اسلام و باد صرصر و زلزله و سنگباران همراه محمد خود خوانده رسول الله بوده و بیاریش شتافته اند.

بخشی دیگر از کلام الله بندگی، بردگی، غلامی، کنیزی، نابرابری، دسته بندی مردان به دو دسته آزاد و بنده و برده و غلام، همچنین دسته بندی زنان به دو دسته آزاد و نا آزاد که همچون کالا در شمار ملکی متصرفی مالک در می آیند، ازدواج نکردن با کنیزان مگر برای رفع عزوبت، گمراه کردن مردم و در دست گرفتن روزی آنها، سرپرستی امور پائین تنه رسول الله همیشه و در همه جا بخشیدن زنان مومنه بی قید شرط مهر خود را به رسول الله که بر وجود عزیزش بد نگذرد تا پس از این گونه هم خوابگی آزاد حلال شده و را هی عشرتکده (بهشت) گردند، آزادی و حلال بودن نکاح با برخی از محارم برای انبیا، چگونگی گذران در شادیکده الله (عشرتکده=بهشت) و شگنجه گاه آزادی خواهان (دوزخ) و و

گفتار امروز من در باره بردگی، بندگی، غلامی، کنیزی و بخشی از نا آگاهیهای الله آمده در کلام الله است که میگوید (همه چیز را میدانم و آگاهم سوره بیست و دوم (حج) آیه زیر ۷۵) و دها آیه دیگر.

۱- بلکه هیچ موجودی در آسمانها و زمین نیست جز آنکه الله را بنده و فرمانبردار است: سوره نوزدهم (مریم) آیه زیر ۹۲- سوره بیست و دوم (حج) آیه زیر ۱۷- سوره بیست و چهارم (نور) آیه زیر ۴۰- سوره سی ام (روم) آیه زیر ۲۵- سوره پنجاه و پنجم (الرحمان) آیه زیر ۵.

۲- هیچ مرد وزن مومن را در برابر فرمان الله و رسول او اراده و اختیاری نیست که رای خلافی اظهار نماید سوره سی و سوم (احزاب) آیه زیر ۳۵.

۳- الله برای هدایت شما هم از عالم خود شما مثالی زده (شما فکر کنید) آیا هیچ یک از غلامان و کنیزان ملکی شما در آنچه (از مال و حقوق و مقام) که ما روزی شما گردانیدیم با شما شریک هستند؟ تا شما و آنها در آن چیز بی هیچ مزیت مساوی باشید؟ و همانقدر بیمی که شما از نفوس خود دارید، هم از آنان دارید؟ هرگز ندارید و هیچ آنها را شریک و مساوی خود نمیدانید... سوره سی ام (روم) آیه زیر ۲۷.

۴- الله مثلی زده بشنوید، آیا بنده مملوکی که قادر بر هیچ (حتی بر نفس خود) نیست با مردی آزاد که ما به او رزق نیکو و مال حلال بسیار عطا کردیم که نهان و آشکار هرچه خواهد انفاق میکند. این دو یکسانند هرگز یکسان نیستند. سوره شانزدهم (النحل) آیه زیر ۷۴.

۵- الله مثلی زده (بشنوید) دوفر مرد یکی بنده ای باشد گنگ و از هر جهت عاجز وکل بر مولای خود و از هیچ راه خیری به مالک خویش نرساند و دیگری مردی آزاد و مقتدر که بر خلق به عدالت فرمان دهد و خود هم براه مستقیم باشد. آیا این دو نفر یکسان هستند (هر گز یکسان نیستند مثل کافر و مومن بدین تمثال ماند). سوره شانزدهم (النحل) آیه زیر ۷۶.

۶- ای رسول ما بنگر تا ما چگونه (در دنیا) بعضی مردم را بر بعضی فضیلت و برتری بخشیدیم (تابدانی که) مراتب آخرت نیز بسیار بیش از درجات دنیاست و برتری خلاق بر یکدیگر بر مراتب افزون از حد تصور است. سوره هفدهم (اسری) آیه زیر ۲۰.

۷- الله رزق بعضی از شمارا بر بعضی دیگر فزونی داده آنکه رزقش افزون شده به زیر دستان و غلامان زیاد را نمید هد تا با او مساوی شوند. سوره شانزدهم (النحل) آیه زیر ۷۰.

۸- از بردگان آنانکه تقاضای مکاتبه کنند (یعنی خواهند که خود را از مولا به مبلغی مشروط یا مطلق خریداری کنند) تقاضای آنها را اگر خیر و صلاحی مشا هده کنید بپذیرید و برای کمک آنان از مال الله که بشما عطا فرموده. به عنوان زکات و صدقات در وجه المکاتبه به آنها بدهید ...

۹- و کنیزکان خود را که مایلند به عفت زنهار برای طمع مال دنیا جبرا به زنا وادار نکنید که هر کس آنها را اکراه به زنا کند. الله در حق آنها که مجبور بودند امرزنده و مهربان است. سوره بیست و چهارم (نور) آیه زیر ۳۲ .

۱۰- هیچ مومنی را نرسد که مومنی را به قتل برساند مگر آنکه به اشتباه و خطا مرتکب آن شود و در صورتیکه به اشتباه هم مومنی را مقتول ساخت باید به کفار این خطا بنده مومنی را آزاد کند و خونبهای آنرا به صاحب خون تسلیم نماید مگر آنکه دیه را ورثه به قاتل ببخشند. سوره چهارم (النسا) آیه زیر ۹۱ .

مهر ورزیده تنها این ده بخش را که چکه ای از دریای نا هنجاریهای کلام الله است به ژرفی بخوانید اگر شما چنین جانور درنده فراری از باغ وحش را به خدائی پذیرفتید پیمان می بندم هرگز دست به غلم نبرم؟

**پرسش اینست چرا الله برده و بنده و غلام و کنیز می آفریند و آنها را برده و اسیر دیگران میکند تا بسود خویش بهره برداری کنند؟**

چرا بنده مومن خودش را هم بنده دیگری کرده است؟ پس برای این الله دوغ و دوشاب ندارد هرکرا بخواهد بنده خودش و دیگران هم میکند. یک بنده مومن در بند مومن دیگر باید سالها دعا کند شاید مالکش کسی را بکشد تا او رها گردد و اگر نکشت باید در بندگی بمیرد و اگر بندگان چند نفر باشند که تنها یک نفر آزاد گردد دیگر بندگان باید همچنان در بند بمانند و بمیرند.

مهمتر از همه هرگز این الله در جانی نگفته است که در برابر خطای بزرگ مالک کنیزی، یک کنیز هم آزاد بشود دوگانگی درباره یک بنده و کنیز از دید الله برای چیست؟ آنهم کنیز نگون بختی که باید بسود مالک خویش تن به خود فروشی هم بدهد.

چرا و به چه فرمود الله آفریدگان خود را در این جهان و جهان دیگر پیشکی درجه بندی کرده و برخی را بر برخی برتری بخشیده. به گروهی روزی بی شمار داده و گروهی را چنان نیازمند کرده است که باید دست گدائی بسوی دیگران دراز کنند. آیا این الله کژ اندیش دشمن آزادی، یک بیمار روانی فرار کرده از تیمارستان نیست که باید دستگیر و تحویل همان تیمارستان گردد؟

با اینکه برابر سوره چهلم (المومن) آیه زیر ۷ - الله سوار بر هشت ملک مقرب است و در پرواز و گشت و گذار در آسمانها میبازد تا به امروز در نیافته است که شب و روز در پی گردش زمین بدور خود و خورشید پدید می آیند. همان زمان که در کنار خانه اش کعبه شب فرا میرسد در گوشه ای دیگر از جهان روز آغاز میگردد هرگز نمیتوان روشنائی روز را در سیا هی شب در یک کیسه پنهان کرد و سپس از هم جدا نمود که الله ناآگاه با فرستادن آیه های زیر نادانی خودش را در این باره نیز به استواری رسانیده است شب را در پرده زرین روز پنهان کند و روز را در خیمه سیاه شب پنهان سازد ... - سوره دوم (آل عمران) آیه زیر ۲۶ - سوره هفتم (اعراف) آیه زیر ۵۳ - سوره بیست و دوم (حج) آیه زیر ۶۰ - سوره سی و یکم (لقمان) آیه زیر ۲۸ - سوره سی و پنجم (فاطر) آیه زیر ۱۲ - سوره سی و نهم (زمر) آیه زیر ۴ - سوره پنجاه و هفتم (الحدید) آیه زیر ۵ - و .

۲- برهان دیگر برای خلق در اثبات قدرت حق وجود شب است که ما چون پرده روز را از آن برگیریم ناگهان همه را تاریکی فرا گیرد . سوره سی و ششم (یس) آیه زیر ۳۶ - و نیز خورشید تابان که بر مدار معین خود بی هیچ اختلاف به گردش است . برهان دیگر بر قدرت الله دانای مقتدر است . سوره سی و ششم (یس) آیه زیر ۳۸ .

۳- ای بشر ندیدی که هرچه در زمین است امر الله مسخر شما گردانید و کشتیها به فرمان او در دریا سیر میکند؟ و آسمان را دستور او نگهداشته است که بر زمین نیفتد؟ که همانا الله در باره بندگان رثوف و مهربان است . سوره بیست و دوم (حج) آیه زیر ۶۴ . سوره سی و ششم (یس) آیه زیر ۴۰ -

۴- آسمان را سققی محفوظ طاقی محکم آفریدیم این کافران غافل از مشاهده آیات آن اعراض میکنند. سوره بیست و یکم (انبیاء) آیه زیر ۳۱ .

۵- آیا بنای شما آدمیان استوار تر است یا بنای آسمان بلند که سققی بس بلند بی ستون و در کمال زیبا ئی استوار ساخت. سوره هشتادم (عبس) آیه های زیر ۲۶ و ۲۷ . سوره سی و یکم (لقمان) آیه زیر ۹ و دهها آیه دیگر.

آنچه یادآوری گردید گوشه های بسیار کوچکی بود از دریای بیداد گری، غلام بارگی، بنده پروری کنیز بازی، نادانی، بیدادگری و ناآگاهی الله آمده در کلام الله آسمانی، بی آنکه من واتی = (کلمه ای) بر آن افزوده باشم .

داوری پس از خواندن و برابر کردن با آیات قرآنی به عهده خوانندگان است .

اگر چنین بیخرد و جانوری را که بوئی از آزادی و آزاد منشی نبرده است خدا بدانیم . پس ا هریمن کیست؟ آیا آنچه را که خواندید و شنیدید و همه آن در کلام الله موجود است از ویژگیهای اهریمنی نیست؟

آیا چنین سخنان بیهوده ای را جز بر خاسته از دل سنگی سیاه میتوان پنداشت؟

پرسش من از همه استادان دانشگا هها و مدعیان روشنفکری و روشنگری (بجز آن انگشت شمار و شناخته شده دست اندرکار) اینست که دربرابراین پدیده شوم ایران برباد ده، چه گامی جز سوگند برآن و یا خواندنش برای آمرزش روان مردگان خود برداشته اند، همگان راآگاه سازند؟

خرد یارو یاور همه ایران پرستان باد : با ارج فراوان پاینده ایران برافراشته باد درفش کاویانی سرخ وزرد وبنفش : آله دال  
فک(پاریس)

۱۰ شهریورماه/۲۷۱۲

۳۱ ماه/اوت ۲۰۰۴